

## رتبه نخست فلاکت

شاخص فلاکت و آسیب‌های اجتماعی چگونه در استان چهارمحال و بختیاری به نقطه اوج رسید؟



عباس موسایی

عضو دفتر سیاسی و مسئول منطقه چهارمحال و بختیاری حزب توسعه ملی

شاخص فلاکت (Misery index)، نشانگر اقتصادی است که اقتصاددانان از افزودن نرخ تورم به نرخ بیکاری، به‌دست می‌آورند. هر چه عدد مربوط به شاخص فلاکت بیشتر باشد، نشانه‌ای از سطح پایین رفاه و رنج ساکنین، آشفستگی اقتصادی و سطح نامطلوب واحد حکمرانی (کشور، استان، شهر) است.

در ادبیات اقتصادی، تورم (Inflation) به‌صورت «افزایش سطح عمومی قیمت‌ها» تعریف می‌شود. شاخص تورم برای دوره‌های زمانی مختلف (سال، فصل و ماه) محاسبه و گزارش می‌شود. نرخ بیکاری، نیز درصدی از جمعیت مایل به اشتغالی را نشان می‌دهد که شغلی ندارند. جمع این دو شاخص سختی (Misery) زندگی را نشان می‌دهد که «شاخص فلاکت» گفته می‌شود. طبیعتاً هر چه عدد شاخص فلاکت بزرگتر باشد، میانگین افراد جامعه سختی بیشتری را تحمل می‌کنند و برعکس.

مطالعات جامعه‌شناسی افزایش شاخص فلاکت را در افزایش آسیب‌های اجتماعی، مؤلفه‌های بسیار مؤثر می‌دانند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی، جرم‌شناسان علاوه بر دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق و... تمرکز بی‌ش از پیش بر رابطه اقتصاد و جرم یا به‌عبارتی ریشه‌های اقتصادی جرم، کرده‌اند. وجه مشترک بسیاری از مطالعات، پیرامون ریشه‌های جرم در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای (استان، شهر و...)، نشان می‌دهد که افزایش هریک از شاخص‌های نرخ بیکاری و تورم، به‌تنهایی نقشی مؤثر در افزایش جرم دارد و با افزایش هم‌زمان این دو، رشد آمار جرم، به مراتب بیشتر می‌شود. اگر تورم در کشوری یک برابر افزایش پیدا کند، نرخ جرم و جنایت دو برابر می‌شود و اگر بیکاری در جامعه یک واحد افزایش یابد، جرم و جنایت دو برابر افزایش پیدا می‌کند و جالب است بدانید اگر تورم و بیکاری در کنار هم یک واحد افزایش پیدا کنند، میزان وقوع جنایت و جرم در جامعه ۴/۵ برابر می‌شد (برای مثال ر. ک به: مهرداد ابراهیمی و عبدالوهاب چاکر زهی، ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران، مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲، آبان ۱۳۹۴، صفحه ۱۳۷-۱۱۳).

دکتر ال‌الدادگر، استاد بر جسته اقتصاد در دانشگاه شهیدبهشتی، در مقاله‌ای پژوهشی که به‌طور مشترک با روح‌الله نظری منتشر کرده‌اند، نشان می‌دهند که شاخص فلاکت اثر مثبت و معنی‌داری بر جرم و جنایت در ایران، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت، دارد (ر. ک به: بدالله دادگر و روح‌الله نظری، بررسی تأثیر شاخص فلاکت بر جرم و جنایت در ایران، مجله مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۱۳۹۲، شماره ۹، ۲، ۸۶ تا ۸۶).

بررسی‌ها نشان می‌دهد شاخص فلاکت کشور در پایان پاییز ۱۴۰۲ برابر با ۵۲ واحد بوده که نسبت به پاییز ۱۴۰۱ به مقدار ۱/۲ واحد کاهش یافته است. در این میان بررسی وضعیت این شاخص به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد چهار محال و بختیاری رگوردار فلاکت در پاییز امسال بوده است. نسبت به پاییز سال گذشته نیز فلاکت در ۱۴ استان بیشتر شده است. نرخ فلاکت در این استان برابر با ۶۳/۲ واحد بوده که از مجموع نرخ بیکاری برابر با ۱۱/۵ درصد و نرخ تورم سالانه برابر با ۱۱/۷ درصد حاصل شده است. بنابراین، می‌توان گفت این استان از نظر وضعیت اقتصادی شرایطی چالش‌برانگیز را تجربه می‌کند و مردم آن کیفیت زندگی پایینی دارند. عدد ۱۱/۷ واحد بیشتر از میانگین شاخص فلاکت کشور، رنگ هشدار جدی به مسئولان و متولیان امر در بازشناسی مبانی این بحران است. این استان در سال ۱۴۰۰ رتبه سوم، در سال ۱۴۰۱ رتبه چهارم و سال ۱۴۰۲ رتبه نخست شاخص فلاکت در

کشور را داشته است.

بدیهی است که در کشوری که تحت ناچوانمردانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین تحریم‌های اقتصادی است، مناطق با تاب‌آوری کمتر، توسعه‌نیافته‌تر و عقب‌مانده نگه‌داشته‌شده‌تر، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند. افزایش مراجعه به مراکز قضایی، افزایش طلاق، خودکشی، ضرب و جرح، قتل و دیگر آسیب‌های اجتماعی، رابطه مستقیمی با اوضاع اقتصادی مردمان چهارمحال و بختیاری دارد. تقلیل تحلیل آمار جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی به سوبه‌های فرهنگی و روان‌شناختی، سیاستگذار را از اتخاذ تصمیمات در مانگر، بی‌نصیب خواهد کرد. متأسفانه شرایط استان چهارمحال و بختیاری از نظر سهم تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه ملی و توزیع کارگاه‌های صنعتی در کشور ناچیز است.

پایامد افزایش فلاکت و تبعه آن افزایش جرم و جنایت، ناآرامی‌های اجتماعی و افزایش نااطمینانی اقتصادی و در نتیجه کاهش تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری خواهد بود، امری که در شکل‌گیری مدار توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی، نقشی اساسی بازی می‌کند. شاخص فلاکت به نحوی امید مصرف‌کنندگان به آینده اقتصادی را نیز منعکس می‌کند؛ بدین معنا که افزایش نرخ فلاکت، نمایانگر ناامیدی مصرف‌کنندگان از آینده اقتصادی و افق تاریک در عرصه رفاه اجتماعی است.

هنر حکمرانان در سطح ملی و مدیران محلی آن است که با بهره‌گیری از داده‌ها و شاخص‌های آماری، به تجزیه و تحلیلی دقیق از آنچه در زیر پوست اجتماع می‌گذرد، دست یابند و سیاستگذاری و مدیریت خود را به جای موهومات، حدس و گمان‌ها، سیاست‌زدگی، شعارزدگی و... براساس منطق و مبانی علم اقتصاد و رابطه آن با مؤلفه‌های مؤثر بر آن، سامان و سازمان‌دهی کنند. داده‌های اقتصادی، علاوه بر بازنمایی اوضاع اقتصادی جوامع انسانی، می‌توانند در سیاست‌گذاری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، نقشی اساسی داشته و سیاست‌گذار را از افتادن در تله‌های ابهامات، روزمرگی زدگی و... نجات دهند، مشروط بر آنکه علاوه بر تجزیه و دانش و فهم‌رصد اوضاع، جسارت، شجاعت و مسئولیت‌شناسی ملی را برای بیان ریشه‌های مشکلات و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها در سطوح بالاتر، قربانی استمرار بی‌خاصیت ماندن در مناصب ننمایند.

دادگر و نظری در مقاله پژوهشی مورد اشاره در بالا، پیشنهاد می‌کنند که سیاستگذاران به جای اینکه توجه خود را به مسائل نظامی و قضایی معطوف کنند، می‌بایست عوامل افزایش جرم را شناسایی کرده و افزایش رشد اقتصادی برای رفع مشکلات اقتصادی را دستور کار قرار دهند. مقدمه‌بنیادین عبور از این وضعیت نگران‌کننده، رفع محدودیت‌ها و موانع بین‌المللی برای افزایش رشد اقتصادی در سطح ملی است و بدون این مهم، سایر شاخص‌ها، از جمله تورم، بیکاری و بالاخص شاخص فلاکت که بازنمای معیشت و زندگی مردم است، امکان بهبود نخواهند یافت.

نقد اساسی وارد بر مدیریت کلان در استان در سالیان اخیر، که البته تابعی از روش حکمرانی در سطح ملی است، عدم تجزیه و تحلیل و ریشه‌یابی معضلات، براساس راهبردهای عالمانه است. نگاه تک‌ساحتی به مسائل اجتماعی و عدم بهره‌گیری از روش و متدهای نوین در شناخت مبانی و مبادی آسیب‌های اجتماعی، تجزیه و تحلیل‌های سطحی‌نگرانه و دم‌دستی، از مهمترین عوامل روزافزون آمار جرائم گوناگون در این استان است.

عدم فهم و شناخت مسئله و تبعه آن فقدان نگرش حل مسئله‌ای، بحران ناکارآمدی حکمرانی را تشدید کرده و متولیان امر را با مجموعه‌ای از مشکلات حل‌نشده، مواجه کرده است. اگر مقدمه در مان را شناخت درد و بیان متولیان امر بیرون می‌آید، به جای واقع‌بینی، بر پایه شعارزدگی استوار است، از این رو خود این اعلام مواضع سطحی‌نگرانه، نشانه‌ای اساسی از تعمیق مشکلات و بحران‌ها در آینده نزدیک و دور است.

## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

## حکم اعدام برای یک مأمور

## روایت پیام درفشان و کیل خانواده محمد جامه‌بزرگ درباره رای سازمان قضایی نیروهای مسلح



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

وقفل در راهم انداختم. ماموران شروع کردند به شکستن شیشه در و انداختن گاز اشک‌آور داخل خانه. ما می‌خواستیم برویم داخل اما بابا نمی‌آمد و می‌گفت این کارها غیرقانونی است، حق ندارند این کارها را بکنند.»

## ▼ پرده دوم

«بعد از این اتفاقات، صبح یکم مهر، فردی که از قرار معلوم در زمره ماموران قرار داشته اما آشنایی نیز با خانواده جامه‌بزرگ دارد، نزد مقتول می‌رود و به او هشدار می‌دهد که قصد بازداشت خود یا پسرانش را دارند. به گفته پیام درفشان، وکیل خانواده جامه‌بزرگ، در قرار نهایی دادسرا به این موضوع اشاره و تاکید شده که با استفاده از ۳ دوربین مقابل منزل جامه‌بزرگ، این فرد شناسایی شده است. مسعود جامه‌بزرگ، پسر مقتول گفت و شنود صورت گرفته میان این فرد ناشناس با پدرش را اینگونه برای «شبکه شرق» روایت می‌کند: صبح یک مهر، بابا رفته بود جارو زدن شیشه‌های جلوی در. همان زمان یک نفر با لباس شخصی پیش بابا می‌آیند. آن فرد به بابا می‌گوید که حاجی من شما را می‌شناسم. شما خانواده خوبی هستید و خودت هم سال‌هاست در اینجا زندگی می‌کنی اما در پایگاه صحبت از شما بوده و گفته‌اند با پدر یا یکی از پسرها را بازداشت کنید. بابا می‌پرسد یعنی چی؟ تو کی هستی؟ که آن فرد جواب می‌دهد حاجی چیزی از من نپرس ولی این را بدان. بابا بلافاصله این موضوع را به من گفت. من از بابا خواستم که چند روز برویم ولی بابا قبول نکرد و گفت ما هیچ کاری نکرده‌ایم که بخوایم فرار کنیم.»

پس از تهدید شفاهی محمد جامه‌بزرگ، مقتول، او تصور می‌کند که موضوع پایان یافته اما بامداد ۲ مهر، همه چیز رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد. مسعود جامه‌بزرگ، پسر مقتول به «شبکه شرق» می‌گوید: «ساعت ۳ شب ۲ مهر که در خانه را زدند، من از آیفون تصویری دیدم که یک نفر با ماسک طبی جلو در است. حدس زدم که مامور باشد. به بابا گفتم. بابا گفت شما بخوابید، کاری با ما ندارند. من می‌شوم، برادرم اما نگران بازداشت خدومان بودیم به همین دلیل هم از روی پشت بام رفتیم داخل خانه همسایه.» با خروج میثم و مسعود از خانه، مریم جعفری، همسر محمد جامه‌بزرگ، مقتول تنها شاهد عینی ماجراست. او در گفت‌وگو با «شبکه شرق» گفت که پس از آنکه همسر مقتولش در را روی ماموران باز نکرد، یک نفر از آنان از بالای دیوار به داخل حیاط پرید و در را برای ۵ نفر دیگر باز کرد: «۶ نفر بودند. وارد حیاط شدند. من در اتاق خواب بودم که یک مرتبه وارد خانه و اتاق شدند. پرسیدم چرا وارد خانه شدید، شما چه کسانی هستید که گفتند ماموریم و آمده‌ایم به دنبال محمد! پرسیدم چرا؟! چکار کرده؟ گفتند به خودش می‌گوییم. من گفتم محمد خانه نیست اما قبول نکردند و رفتند روی پشت‌بام به دنبال محمد اما از قرار معلوم او را ندیدند و برگشتند که از خانه خارج شوند اما یک نفر از حیاط داد زد که یک سایه روی پشت بام است. دوباره رفتند روی پشت بام. این لحظه من با محمد حرف می‌زدم که بیاید پایین و با ماموران برود. او اما این کار را نمی‌کرد و



محمد جامه‌بزرگ/مقتول

## حکم «پرونده بوستان زیتون» منتشر شد

## شهرداری و پیمانکارش مقصران جان باختن دو کودک

بیرون کشیده می‌شوند. اما پس از آن مشخص شد که جاهایی از فنس‌ها پاره بودند و بچه‌ها از آن وارد محوطه شدند.

سوم شهریور اما بازپرس محمدمهدی براعه و تیم بررسی جرم، محل حادثه را بررسی کردند و مشخص شد: «روز حادثه دو خانواده به همراه فرزندان‌شان برای تفریح راهی بوستان شده بودند. سه کودک که دو برادر (دوقلو) و پسر خاله‌شان مشغول توپ‌بازی بودند، توپ آن‌ها به داخل استخر آب افتاد. بچه‌ها برای برداشتن توپ خود از قسمت باز فنس وارد محوطه استخر شدند. صدرا و امیر حسین داخل استخر می‌افتند، برادر دوقلوی امیر حسین خانواده را خبر می‌کند اما وقتی آنها به محل می‌رسند که هر دو کودک جان باخته بودند. فضا، ایمن‌سازی نشده و حتی تابلوهای هشداردهنده در اطراف قتلگاه کودکان هم به‌وضوح دیده نمی‌شود.»

دو خانواده شکایت می‌کنند و پس از اعلام این شکایت یک هیئت سه‌نفره کارشناسی تشکیل می‌شود تا ابعاد مختلف این حادثه را بررسی کنند. در بررسی‌های اولیه، کارشناسان اعلام می‌کنند: «در این حادثه ۵۰ درصد پیمانکار به‌دلیل عدم رعایت اصول ایمنی، ۲۵ درصد شهرداری به‌دلیل عدم نظارت و والدین کودکان به‌دلیل قصور در مراقبت از طفل ۲۵ درصد مقصر شناخته شده‌اند.»

**گروه خبر:** روز گذشته پس از گذشت حدود ۴ ماه از حادثه استخر بوستان زیتون در منطقه ۲۱؛ «محمدمهدی براعه، بازپرس ویژه قتل شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران اعلام کرد که «شهرداری منطقه ۲۱ و پیمانکار به دلیل اهمال در انجام وظیفه قانونی، مقصر این حادثه شناخته شده‌اند. برای والدین کودک که پیش از این به دلیل سهل‌انگاری در نگهداری فرزندان‌شان و عدم مراقبت به دادسرا احضار شده بودند، منع تعقیب صادر شد.»

زمانی که صدای بچه‌ها تمام محوطه پارک را پر کرده بود هیچ‌کس باور نداشت که مرگ به جای باد لابه‌لای برگ‌ها می‌پیچد. تویی که دو کودک به محوطه «شنا کردن ممنوع می‌باشد» ناگهان ورق زندگی را برگردانند و مرگ آن دور را در آغوش کشید و صدای شیون و ضجه بوستان زیتون وردآورد را در هم نوردید.

دوم شهریور امسال بود که جان باختن دو کودک ۸ ساله در استخری در بوستان زیتون در منطقه ۲۱ واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت. در همان روزها روزنامه منتسب به شهرداری اعلام کرد، این دو کودک برای برداشتن توپ خود از فنس‌ها بالا رفته‌اند و در استخر غرق شده‌اند. جالب آنکه در این گزارش نوشته شد: «با حضور عوامل آتش‌نشانی و کندن بخشی از فنس‌ها، کودکان از آب

گزارش دو